

به نام او

چند صباحیست که کتابهای زبانشناسی را می‌خوانم و ورق می‌زنم دفترهای زبانشناسی را، نظریه‌ها، تعاریف و قضاوتها و پیشگویی‌ها و....، و مطالبی در مورد زبان کردی و گویشهایش. اما آنچه انگیزه‌ای شد بر نگارش این سطور سخنانیست در باب استانداردهای زبانی و استاندارد بودن یا نبود آن. این روزها که مطالعات زبانشناختی بر زبانهای ایرانی به خصوص زبان کردی و گویش‌های آن وارد مرحله جدیدی شده‌است، کم نیستند آنان که در این راه به نام و شهرتی رسیده‌اند و سخنان آنان در جامعه مقبول عوام و عامند، و به سخنور بی‌بدیل رسانه‌ها در مباحث زبانشناسی مبدل شده‌اند، می‌گویند و مینویسند تا دیگران بخوانند و بشنوند، بسی گفتند و بسی نوشتند، بارها ارباب زبانشناسی را از راه به در کردند و بارها آنرا از انحرافی که خود دال آن بودند، رهانیدند.

در مقابل سخنان و بیانات آنان قلم کسی را یارای ایستادن نبوده و نیست، زیرا در مباحث زبانشناسی بیشتر با نظریه‌ها سروکار دارند و هر کسی میتواند ناظری باشد، هستند کسانی که ناظر و تئوریسین خوبی نیستند ولی در زبانشناسی کاربردی یدوالایی دارند. اخیرا یکی از این گرانقدران و زبانشناسان البته از نوع زبانشناسی کاربردی، در نوشته‌ها و گفته‌های خود بابی را گنجانده است در باب استاندارد نبودن زبان کردی هورامی. البته ایشان در بیان نظرات خود آزادند و این سامع و باصر است که باید بیدار باشد و سخنان وی را بی هیچ چرایی و امایی نپذیرد، و راقم این سطور هم در بیان نظر خود آزاد است و مخاطب سخن خود را نه آن ناظر بلکه سامعان و شنوندگان وی می‌داند.

اکنون به سر رشته سخن باز می‌گردیم؛ گفته‌شد که شخصی یا اشخاصی اخیرا نظریه و مبحثی را مطرح میکند و این مرقومات سعی در واشکافی آن دارد.

این شخص که شاید از سن من هم بیشتر در زمینه زبانشناسی کار کرده باشد و مجرب و استاد، اخیرا دم از استاندارد بودن زبانها زده‌است، به نظر می‌آید که ایشان با ایجاد یک سازمان به زبانها نشان استاندارد و ایزو **9002** اعطا میکند، البته در اعطای نشان سلیقه‌های شخصی را هم بی‌دخیل نگذاشته است، و کسی هم معیارهای ایشان را نمی‌داند، این حقیر در باب شاخصهای استاندارد بودن یک زبان تأملها کردم ولی نتیجه‌ای حاصل نشد و ایشان هم در ابلاغ و اعلام شاخصها قاصر بوده‌اند، شاید یکی از این موارد زیر از شاخصهای ایشان باشد:

- تعداد حروف الفبایش باید از 25 تا 30 باشد!
- خاصیت ارگاتیو نداشته‌باشد.
- مصدرهایش متشکل از 5 حرف بیشتر نباشند.
- مفرد و مذکر را از هم بازشناسد.
- دارای شمار مؤنث باشد.
- رسم الخطش لاتین باشد یا عربی
- و.....

شاید هم آنها در ازای هر یک از شاخصها یک ستاره به زبانها می دهند تا زبانها 5 ستاره یا 6 ستاره شوند، و علم نوین هتلزبانی را بنیاد بنهند.

آیا میتوان زبانها را با استاندارد بودن و استاندارد نبودن دسته بندی کرد؟ معیارهای استاندارد بودن کدامند و چه زبانی استاندارد است؟

مگر نه آنکه کار زبان انتقال پیام و رساندن مقصود است، مگر نه آنکه همه زبانها در همه دنیا در حال انجام این وظیفه هستند، نه آنکه زبان انگلیسی همین کار را میکند و زبان بومیان کنیا و حوالی نایروبی همین وظیفه را دارد؟

من از این منبر اعلام میدارم که استاندارد بودن یک زبان و استاندارد نبودن زبانی دیگر هیچ پایه و بنیه علمی ندارد و همه آنها را در یک نظریه مردود می دانم، و سخنان این شخص و هر شخص دیگری را خواه خدایچه دانش زبان باشد نمیپذیرم مگر آنکه دلایل و معیارهایی علمی و قابل اندازه گیری خود را با دلیل اعلام نماید تا سخنان وی را پذیرا باشم، این سخنان تنها در جهت خام کردن و فروبردن دیدی اشتباه در ذهن مردمان در جهت بیگانه کردن آنان با زبان خود می دانم. و تنها معیار منطقی (از نظر آن شخص) استاندارد بودن یک زبان را - هورامی نبودن - آن یافتم و دگر هیچ!! و استاندارد نبود هورامی و استاندارد بودن سورانی و کرمانجی را هم با این معیار توان پذیرفت!!!

و در پایان سخن از سخنوران دیگر زبانها تقاضا میشود جهت دریافت نشان استاندارد و گواهینامه ایزو 9002 و 12000 و... برای زبانشنان اقدام نمایند و آن را بر پیشانی خود الصاق نمایند و گر نه در آینده ای نزدیک زبان آنها نیز غیر استاندارد اعلام میشود و آنگاه نتوان کاری کرد.... و دانستن لازم است که هست زبانشناسی که میخواهد برای زبانان نشان استاندارد صادر کند!! و شاید تا حالا کتابهای اندرسن هال را نخوانده است.